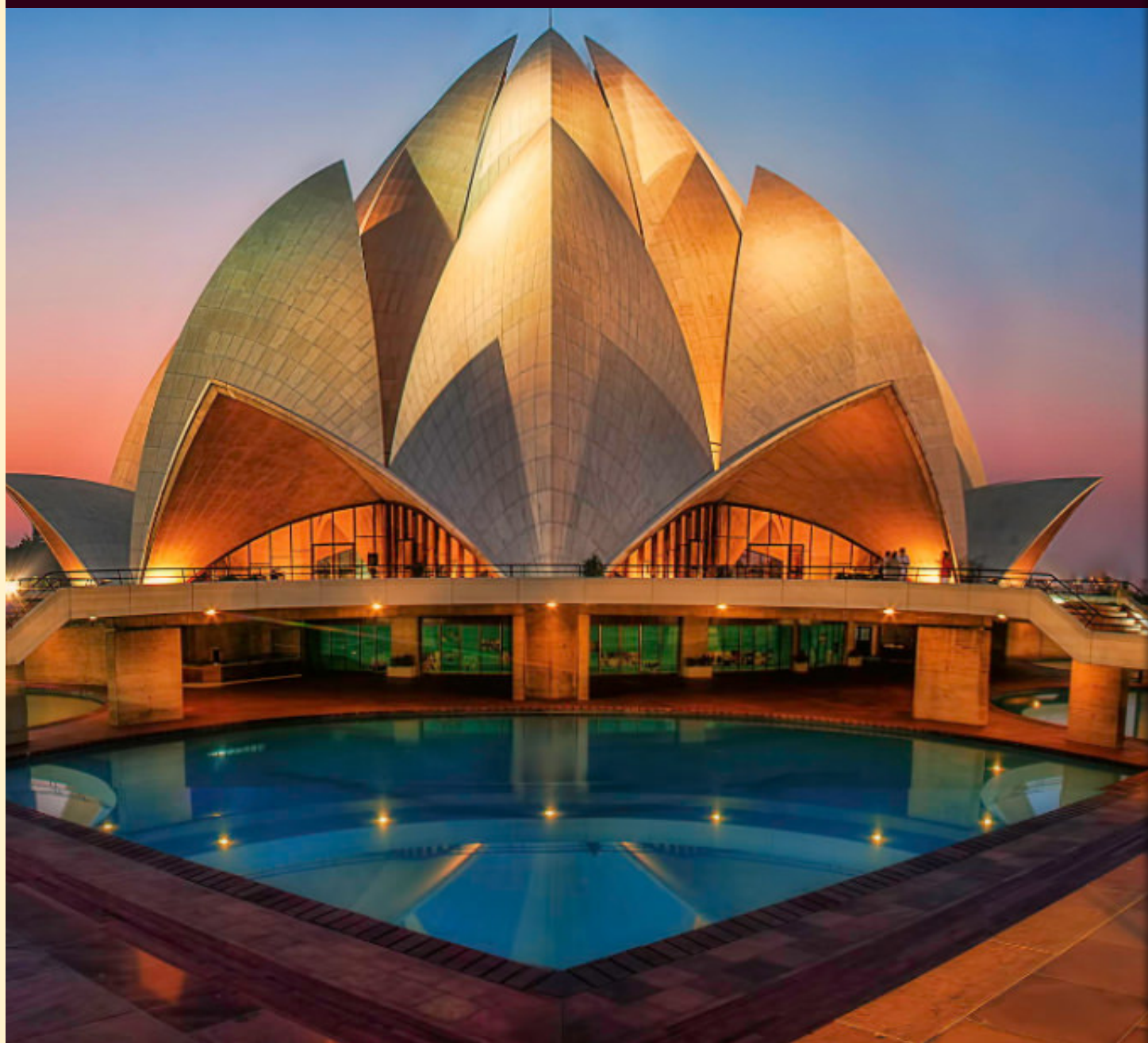


کانسپچوال در معماری

Conceptual architecture



هنر کانسپچوال

هنر کانسپچوال در اواسط ۱۹۶۰ میلادی به عنوان یک نهضت هنری گسترده شکل گرفت. این جنبش عرصه وسیع و متنوعی از فعالیت های هنری را پدید آورد. در نهضت کانسپچوال شیء یا اثر هنری به مفهوم سنتی طرد می شود و از ایده های جدید و خلاق بهره می گیرد به طوری که موضوع و مضمون آن همیشه ایده ها و عقایدی است که مفاهیمی را بیان می کند.

هنر کانسپچوال چیزهایی را جستجو می کند تا جایگزین فضای بسته نمایشگاه های هنری و نظام جهانی دادوستد آثار هنری کند و فضایی نو و عکس العملی تازه بیافریند. در این هنر ایده یا مفهوم مهمترین جنبه کار است در واقع ایده ها و تصمیم ها و طرح هاست که هنر را خلق می کند و اجرا صرفاً مرحله بی اهمیت کار است.

کانسپچوال و معماری معاصر

هر نوع بنایی علاوه بر نیازهای خاص خود نیازها و اهدافی دارد که شخص معمار به آن می افزاید دستیابی به کانسپتی واحد که همه این عناصر را به هم همبسته سازد حتماً امری بلند پروازانه است. اما معماران در مقالات و نوشته های مربوط به کانسپت های طراحی خود، مسئله گره زدن فاکتورها و تفکرات مهم و تأثیرگذار، در طراح را در نوعی سناریوی کوتاه مطرح می کنند.

وقتی هدف از ایجاد یک کانسپت در پروژه، ترکیب اعضا مختلف در یک کل واحد باشد، یک معمار می تواند پروژه را ترکیبی از چند کانسپت ایجاد کند این نوع بینش در طراحی را افزایش می نامند. دیدگاه افزایشی پرداختن به هر بخش به صورت مجزا با توجه به نیاز آن و تلاشی برای یافتن یک کانسپت کلی است. بخش دیگر دیدگاه، متوجه معمار و توجه او به گستردگی محتوای کانسپت است.

کانسپچوال مضمون کانسپت را وسعت بیشتری می دهد و موارد بیشتری را در آن می گنجانند و در نهایت تصاویر بیشتری

از پروژه پیش چشم می نهد. در واقع کانسپچوال می تواند مشخص کند که چگونه تمام ایده های با اهمیتی که ممکن است به طور جداگانه بیان شوند، می توانند به شکل مفصل تری به مطرح شوند.



تالار کنسرت والت دیزنی از معروف ترین تالارهای کنسرت در آمریکاست معمار: فرانک گهبری

فرانک لوید رایت می‌گوید: "چرا نمی‌توان معبدی ساخت حساستر از احساس و نه فقط برای خود بلکه برای انسان، متناسب با کاربری‌های او، به‌عنوان جایی برای آشنایی و یک ملاقات خانه و جایی برای اوقات خویش، فضایی زیبا و

متناسب این منظور آفرید و با همین حس آن را آراست. ساختمان طبیعی برای انسان طبیعی ... چنین فضایی در ذهن شروع به شکل‌گیری می‌کند و در آن هنگام باید به این ایده‌های معمارانه گام نهد و مهم‌ترین موضوع این است که فضایی چنین باشکوه را در ذهن حفظ کنیم و بگذاریم تا خود فضا کل عمارت را شکل دهد". یک سناریوی کانسپچوال در حقیقت محصول یک پروسه تکاملی است. پروسه‌ای که از دل مراحل رشد و کانسپت‌ها خود، اغلب حاصل از جرقه‌هایی در تفکر بینش هستند."

طراحی نمای متفاوت و غیر منتظره شعب بانک ژاپنی Sugamo Shinkin

تصور، ایده، کانسپت و سناریوی کانسپچوال

درک رابطه، تقدم و تأخری موجود بین تصور، ایده، کانسپت و سناریوی کانسپچوال در واقع سرآغاز روند دستیابی به کانسپتی مناسب برای یک بنا است. این رابطه به این صورت ترتیب داده می‌شود: تصور، ایده، کانسپت، سناریوی کانسپچوال که براساس الگوی افزایش پیچیدگی، متناسب بودن و عمق فکری است. در مراحل ابتدایی پروژه، همیشه فرصت برای به تصویر کشیدن ایده‌ها وجود دارد خصوصاً اگر ذهن توانایی و تمایل پذیرش تفکرات خلاقانه غیرعادی و پرتخیل را که می‌توانند راه‌حل بسیاری از نیازها باشند، داشته باشد. پس‌ازاین، معماران زمانی که بیشتر با پروژه و مسائل آن آشنا می‌شوند کم‌کم برخی از تصورات و ایده‌ها را با اهمیت‌تر و مناسب‌تر از بقیه تشخیص می‌دهند.

تیپولوژی جدید نیویورک ساختمان ۵۷ غربی توسط گروه معماری بیگ طراحی شده که پیچشی جذاب را به خط آسمان منتهن اضافه خواهد کرد.



سرانجام شباهت‌ها و جذابیت‌های بالقوه و دسته‌بندی ایده‌ها شکل می‌گیرند و بر پایه این ملاحظات مسیر قطعی انجام گرفتن فعالیت‌ها در آینده مشخص خواهد شد. مسئله انتخاب طرحی مناسب برای یک کانسپت در مقایسه با نقدی که خود کانسپت در طول شکل‌گیری آن انجام می‌پذیرد از اهمیت کمتری برخوردار است و مهم‌ترین سؤال می‌تواند چنین باشد که آیا این ایده مناسب چنین پروژه‌ای هست؟ در نهایت خود کانسپت و راهکاری که ارائه خواهد کرد باید متناسب با نیازهای پروژه و آمیخته با فعالیت‌های بنا باشد. از پرسش در مورد مناسب بودن مورد جالب دیگری هم وجود دارد و آن اینکه آیا اساساً نیازی به کانسپت برای انواع ساختمان‌ها هست؟ آیا آن‌ها فقط برای بخشی از بناها مناسب‌اند؟ در بحث‌ها و نظراتی که معماران و منتقدین ارائه داده‌اند این مسئله که آیا همه بناها از نظر کالبدی و تندیس‌گونه‌گی دارای اهمیت هستند یا خیر و این که چه ساختمان‌هایی باید برجسته‌تر و چه ساختمان‌هایی باید در پس‌زمینه قرار گیرند مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه "کانسپت"، در حوزه معماری، در جایگاه‌های مختلفی مورد به کار گرفته می‌شود، گاه کانسپت، معادل ایده و یا ایده کلتی بکار می‌رود و گاه آن را معتادل با حجت‌های ابتدایی و ماکت‌های اتودی در پروسه طراحی، می‌دانند به‌طوری که روش‌های مورد استفاده در هنر مفهومی نیز به گونه‌ای نادرست در معماری نیز تعمیم می‌یابد.



معماری این آسمان خراش توسط شرکت طراحی Stefano Boeri انجام شده است. این طرح در واقع برنده‌ی مسابقه‌ای است که برای طراحی دومین جنگل عمودی دنیا در شهر Chavannes-Pres- Renens تدارک دیده شده بود.

مقایسه تطبیقی میان هنر مفهوم گرا با معماری مفهوم گرا نشان می‌دهد ویژگی‌های هنر مفهوم گرا و معماری مفهوم گرا در حوزه تجلی اثر با یکدیگر بعضاً متفاوت است چنانکه برداشت از مفهوم و تجلی آن در هنر مفهوم گرا با موضوعاتی مانند جستجوی علمی در باب ماهیت مسئله، مصالح زدایی، فرم زدایی و ضد زیبایی‌شناسی بودن اثر همراه است در حالی که معماری مفهوم گرا در حوزه‌هایی مانند پیوندهای نوستالژیک، روح زمان، تعارض با زمینه، پیوند مفاهیم ذهنی، استعاره گرایی، نمایش رادیکال فرمال، تعلیق برداشت‌های عام فیزیکی معماری و مفاهیم اقتباسی قابل‌بازشناسی است. با این وجود برخی از شاخصه‌های هنر مفهومی در معماری مفهومی مشهود است؛ تبدیل‌شدن معماری به پژوهشی در باب معماری، اهمیت دادن به فرآیند طراحی و استفاده از ادبیات و زبان کمکی. در آخر اینکه، بی‌توجهی به برداشت‌های عام و فرآیند ساخت در هنر مفهومی وجود دارد اما این موضوع در معماری که منطبق بر نیازها، خواست‌ها، ساخت و بودجه است و وابسته به مکان است، متفاوت می‌نماید.



این ساختمان، ساختمان اروپا نام دارد و مکانی موقتی است. در حال حاضر در آلمان قرار دارد کانسپتی که برای ساخت نما بکار برده شده است، بادبان های کشتی است. روی نمای این ساختمان، فضایی مخصوص نشستن عابرین تعبیه شده است که تحت تاثیر نورپردازی قرار دارد و عابرین را ترغیب به نشستن می نماید.

کمپانی هایی که برای ساخت این ساختمان همکاری نموده اند: DUS (طراحی)، Actual (ساخت قسمت های پارامتریک و چاپ سه بعدی)، Neptunus (سازه عمومی)، TenTech (مهندسی)، Henkel (متریال)، Philips (نورپردازی)، Heijmans (نصب و ساخت).



شرکت آلمانی Orange Architects از طرح خود برای یک ساختمان لوکس در شرق بیروت- لبنان با نام the cube رونمایی کرد. ویژگی این ساختمان، استفاده بهینه از پلان و امکان رویت ساحل زیبای مدیترانه از تمامی طبقات آن است. اسکلت بتنی این ساختمان در فضای وسط آن ساخته شده تا از کور شدن دید به دریا، جلوگیری شود.

هنر معنا دادن به فضا

معماری هنر معنا دادن به فضا است که یکی ایده یا مفاهیم انتزاعی است که به صورت تصاویر و طرح‌ها نمایانگر می‌شود. خطی که به منظوری دقیق و حساب‌شده توسط هنرمند مفهوم گرا ترسیم می‌شود، بعضاً می‌تواند دنیای ما را دگرگون کند. البته منظور دنیایی با ابعاد معنوی است که در آن برانگیختن ذهن مدنظر است. ترسیم آگاهانه خط تنها هنگامی حادث می‌شود که منطق بنا شده بر اساس خواست معمار در روند طراحی نفوذ کرده باشد. در این صورت نظم فضایی، نه تنها به شکلی ناآگاهانه که با دلایل منطقی ادراک خواهد شد.



ساختمان اداری نیایش واقع در سعادت آباد تهران معمار: بهزاد اتابکی

کانسپت، سناریویی است که شکل‌گیری فرم معماری را کارگردانی می‌کند. یک معماری مفهومی با جرقه‌های یک ایده در ذهن معمار آغاز می‌گردد. کم‌کم به صورت طرح‌ها و تصاویر، شکل می‌گیرد و در نهایت به صورت فضایی منظم یافته در راستای منطق معمار، عرض‌اندام می‌کند. معماری بدون هیچ‌یک از اصول گفته‌شده نمی‌تواند مفهوم چندانی داشته باشد و تأثیری عمیق بر بیننده بگذارد و چند لحظه‌ای او را به فکر وادارد. زیبایی هنر مفهومی در ایجاد اندیشه و در کثرت برداشت‌های متفاوت از آن است، زیرا که به تعداد بینندگان آن می‌تواند فکر و احساس وجود داشته باشد. در اینجاست که رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطب دگرگون می‌شود و گاهی در این رابطه مخاطب و حتی هنرمند بخشی از کلیت و شکل اثر هنری و مفهوم آن به شمار می‌آید.

معماری تجسم همزمان پیچیدگی و انتزاع است. معماری اصلی‌ترین وسیله رویکردهایی است که باعث ترکیب متنافر پیچیدگی و انتزاع در یک کل یگانه است.



طرح پیشنهادی دفتر استانبولی معماران مانچو برای رقابت در طراحی مفهومی در معماری مسجد شهرداری شهر قیصریه ترکیه. در این طرح با حفظ اصل استفاده از یک حجم بزرگ منفرد، یک فرم سلب دیگر جایگزین گنبد همیشگی در مساجد شده است. دگرگونی ایجاد شده در حجم از حرکات خم شدن و سجده در نماز بدست آمده است و سطوح متعلق به نمازگزاران، با اختلاف ارتفاعی در کف به سمت قبله هدایت می شوند.

